

نسبت به اعتبار اطمینان، دلیل خاصی وجود ندارد، از این رو آن چه در راستای اثبات اعتبار و عدم آن گفته شده، بیانی از اقتضای قواعد عام - به حسب اعتقاد قائل - است. به هر روی در راستای اثبات اعتبار گفته شده:

- سیره بر اعتبار آن در احکام و موضوعات از همه مردم، قطعی است. این سیره حتی در حکم و قضا از سوی شارع امضا شده است؛ و بدون یختل نظام الشرع و یقف العمل. آیات ناهی از عمل به غیر علم نیز صلاحیت ردع ندارد؛ زیرا راه دیگری قرار نداده است و انه علم عادی، چنان که صلاحیت ردع از اخذ به ظواهر را ندارد. نعم لا مانع منه فی بعض افراده ان کان.¹
- شهید صدر گفته است: «اما الاطمئنان فقد یقال بحجیته الذاتیة عقلا تنجیزا و تعذیرا کالقطع؛ بمعنی ان حق الطاعة الثابت عقلا کما یشمل حالة القطع بالتکلیف، کذلک یشمل حالة الاطمئنان به؛ و کما لا یشمل حالة القطع بعدم التکلیف کذلک لا یشمل حالة الاطمئنان بعدمه. فان صحت هذه الدعوی لم نکن بحاجة الى تعبد شرعی للعمل بالاطمئنان مع فارق و هو امکان الردع عن العمل بالاطمئنان مع عدم امکانه فی القطع».²

بررسی و نقد

آن چه از مجموع سخنان فوق به دست می آید، حجیت مطلق اطمینان است که با سه دلیل، تثبیت شده است:

1. بنای عقلا و امضای شارع مقدس؛
2. لزوم حرج و اخلال نظام شرع و استنباط با عدم اعتبار آن؛
3. اطمینان چیزی جز علم عادی نیست.

البته گفتگو از حساب احتمالات نیز در این رابطه مجال دارد.

می توان نقدهای ذیل را بر گفته های فوق مطرح کرد:

1. لازم مبنای آقای صدر - اگر آن چه مطرح کرده، بپذیرد - این است که ایشان به حجیة ذاتی شک، ظنّ و وهم هم قائل باشد. چون در تمام این موارد، حق الطاعة وجود دارد! فتامل.
2. بدون تردید عسر، حرج و اخلال به نظام استنباط و مفاهمه و امثال آن لازم عدم حجیت مطلق اطمینان است نه لازم عدم حجیت فی الجملة؛ بنابراین دلیل مزبور،

1. ر.ک: فوائد الاصول، ج1، ص 547 و 548؛ اجود التقريرات، ج 1، ص489؛ مصباح الاصول، ج2، ص 240؛ منتقى الاصول، ج 4، ص 32 و 33.

2. دروس فی علم الاصول (حلقه دوم)، ج2، ص185 و 186).

مثبت حجیت اطمینان است تا حدی که از عسر و حرج و اخلال نظام جلوگیری نماید نه حجیت مطلق آن. در حالی که مدعا، حجیت مطلق است.

3. بارها گفته شده که ادعای بنای عقلا، احتیاج به کار میدانی و جستجو دارد و حدس و گمان در مورد آن مفید نیست (همان طور که مرحوم صدر فرمود)، حال باید دید آیا عقلا در تمام شئون (مهم و غیر مهم، در قضاوت، شهادت و ...) به اطمینان، عمل می‌کنند؟! در گفته‌های فوق، سندی در اینباره ارائه نگردیده است!

بالاتر از این، بسیار مشکل می‌نماید که عقلا در همه شئون، اطمینان را راهی برای احراز واقع فرض کنند. به عنوان نمونه مطابق ماده 5 ق.م. فرانسه، دادرس باید پای بند به قانون باشد.³

در حقوق آلمان، نیز همین پای بندی وجود دارد؛⁴ به نظر می‌رسد این تقید و پای بندی، دست دادرس را در اعمال اطمینان خویش می‌بندد (سیستم حاکمیت امارات قانونی). فتامل.⁵

به هر حال ادعای حجیت مطلق اطمینان در بنای عقلا، اگر خلاف آن ثابت نشده باشد - که شده است - خود آن، ثابت شده نیست!

4. بدون تردید، فقیهان - از جمله کسانی که کلامشان نقل گردید - در نظام استنباط به حجیت مطلق اطمینان رأی نمیدهند! آیا این گروه، اجازه قیاس مستنبط العلة بر اساس اطمینان می‌دهند؟ آیا اتکا به اطمینان را بدون هیچ سندی دیگر در استنباط، صحیح می‌دانند؟ محقق خوبی که از همین گروه است برای اثبات لزوم قطع به تاثیر ماسح بر ممسوح استناد به قاعده اشتغال نمود و از اطمینان یادی ننمود!

تحقیق

به اعتقاد ما، نباید مطمئن شد که همه باحثان از اطمینان در مسیر موافقت و مخالفت با اعتبار آن، بر یک معنا و ارتکاز نسبت به نهاد اطمینان، متمرکزاند؛ از این رو، نمی‌توان - حداقل همه - اختلاف‌ها را واقعی انگاشت. به هر روی فارغ از گفته‌ها، تحقیق در مساله را با واکاوی حالت‌هایی که برای انسان در مواجهه با یک واقعه پیدا می‌شود، پی می‌گیریم: حالت‌های مورد نظر از گزینه‌های ذیل خارج نیست:

1. علم ریاضی قطعی عقلی نظیر قطع در قضایای ریاضی.

در فقه و حقوق هر چند رسیدن به چنین علمی، در مواردی میسر است، لکن چنین علمی، عموماً در حوزه‌های فقه و حقوق مطرح و مورد گفتگو نیست. در اینجا بین پدیده و حالت انسان گویا رابطه علت و معلول ریاضی وجود دارد.

3. ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج 2، ص 584، ش 350.

4. همان، ص 591، ش 352.

5. اشاره به اینکه قانون‌گذار در فرانسه (مطابق ماده 353 آیین دادرسی کیفری) به سیستم دلایل آزاد تصریح میکند و اگر این رویکرد را در قانون مدنی هم داشته باشد، قهراً اطمینان - که اغنای وجدان بیاورد - از امارات قانونی به شمار می‌آید.